

سلام افلاک

فصلنامه پژوهشهای ادبی به استنادنامه شماره ۳/۲۹۱۰/۵۵
مورخ ۱۳۸۳/۱/۲۵ کمیسیون نشریات علمی کشور از
شماره اول حائز دریافت درجه علمی پژوهشی شده است.

فصلنامه پژوهشهای ادبی در پایگاه (ISC) مرکز منطقه ای
اطلاع رسانی علوم و فناوری www.srlst.ac.ir و
پایگاه علمی جهاد دانشگاهی www.sid.ir و مجله
« نمایه » noormags.com ۱۰۱۱ دسترسی است.

فصلنامه

«پژوهشهای ادبی»

نشریه علمی - پژوهشی

انجمن زبان و ادبیات فارسی

با همکاری مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

صاحب امتیاز: انجمن زبان و ادبیات فارسی

مدیر مسئول: دکتر غلامحسین غلامحسینزاده سردبیر: دکتر مهین پناهی

اعضای هیأت تحریریه	
دکتر منوچهر اکبری	استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران
دکتر مهین پناهی	استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا
دکتر جلیل تجلیل	استاد دانشگاه تهران
دکتر محسن حسینی مؤخر	دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان
دکتر محمد دانشگر	استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه امام حسین
دکتر حسن ذوالفقاری	استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس
دکتر ابوالقاسم رادفر	استاد پژوهشگاه علوم انسانی تهران
دکتر غلامرضا ستوده	استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران
دکتر قدرتاله طاهری	دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی
دکتر غلامحسین غلامحسینزاده	استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس
دکتر ناصر نیکوبخت	استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

ویراستار فارسی: دکتر محمد دانشگر

مدیر اجرایی: دکتر افسون قنبری

ویراستار خلاصه مقالات به انگلیسی: رضا رضایی

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و فصلنامه در این زمینه مسئولیتی ندارد.

راهنمای تدوین مقاله

هرگونه مقاله پژوهشی در یکی از موضوعات زبان و ادبیات فارسی که در آن موازین علمی رعایت شود برای بررسی و احتمالاً چاپ در مجله پذیرفته می‌شود. هیأت تحریریه در رد یا قبول و نیز حک و اصلاح مقالات آزاد است. تمام هزینه‌های مربوط به مقاله‌های ارسالی (اعم از پذیرفته شده و پذیرفته نشده) به عهده نویسنده است.

چاپ مقالات و تقدم و تأخر در آن با بررسی و تأیید هیأت تحریریه تعیین می‌شود. اولویت در انتخاب مقالات به ترتیب با مقالات پژوهشی، تألیفی و ترجمه‌ای است. مسئولیت صحت مطالب مندرج در هر مقاله به عهده نویسنده است.

ضوابط مقالات ارسالی

مقاله ارسالی قبلاً در جایی چاپ یا ارائه نشده باشد. مقاله‌های مستخرج از پایان نامه باید با نامه تأیید استاد راهنما همراه باشد. مقاله باید در محیط (Word) تایپ شود. عنوان مقاله، نام نویسنده و سازمان وابسته روی جلد مقاله نوشته شود. چکیده مقاله حداکثر در صد کلمه به دو زبان فارسی و انگلیسی همراه با کلید واژه ضمیمه شود.

مقاله نباید از بیست صفحه A4 (حداکثر هر صفحه ۲۴ سطر) تجاوز کند. جدولها، نمودارها و تصاویر در صفحات جداگانه ارائه، و عناوین آنها به صورت روشن و گویا در بالای آنها ذکر شود.

در مقاله به پیشینه پژوهش حتماً اشاره شود.

ارجاعات منابع و مآخذ داخل متن به صورت زیر تنظیم گردد:

(نام خانوادگی مؤلف، سال نشر؟ : ص ؟)، برای مثال: (زرین کوب، ۱۳۷۱: ص ۴۶)

کتابنامه در پایان مقاله و به صورت زیر براساس ترتیب حروف الفبا ارائه شود :

کتاب: نام خانوادگی، نام؛ **نام کتاب**؛ نام و نام خانوادگی فرد یا افراد دخیل (شامل مترجم، مصحح، گردآوری کننده و ..) شماره چاپ، محل نشر: ناشر، سال نشر.

مجله یا مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام (مؤلف یا مؤلفان)؛ «عنوان مقاله»؛ نام و نام خانوادگی مترجم؛ **نام مجله**، سال (دوره)، شماره، تاریخ نشر؛ شماره صفحات .

معادل مفاهیم و نامهای خارجی در پایان مقاله با عنوان پی نوشت بیاید.

مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال (صد هزار تومان) بابت هزینه داوری به شماره حساب ۱۴۳۳۸۹۰۵۷ بانک تجارت شعبه دانشگاه تربیت مدرس به نام انجمن زبان و ادبیات فارسی، واریز و تصویر فیش واریزی به همراه مقاله ارسال شود .

نشانی دقیق، همراه با رتبه علمی و محل اشتغال، شماره تلفن و نشانی پست الکترونیکی نویسنده روی جلد مقاله نوشته شود.

مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود.

فصلنامه در ویرایش ادبی مطالب آزاد است.

حق چاپ پس از پذیرش برای «پژوهشهای ادبی» محفوظ است و نویسندگان نباید مقالات خود را در جای دیگر چاپ کنند.

فهرست مطالب

مقایسه کارکردهای ارتباطی تلمیح در متون غنایی و تعلیمی (با تکیه بر آثار سعدی).....	۹
دکتر محسن اکبری زاد ؛ دکتر مهدی دهرامی	
کارناوالگرایی در قصه‌های عامیانه ایرانی.....	۳۱
دکتر سارا چالاک	
حاشیه بر خویشتن (تأملی بر خودحاشیه‌نویسیهای اخوان ثالث).....	۵۱
دکتر محمد حکیم آذر	
وجود، زمان و پدیدارشناسی وجودی در اشعار شمس لنگرودی.....	۷۷
سجاد صادق‌وند ؛ دکتر قدرت‌الله طاهری	
نقد روانکاوانه شخصیت «وهاب» در رمان «خانه ادریسها» بر اساس طرحواره ناسازگار اولیه با تکیه بر	
رویکرد «جفری یانگ».....	۱۰۵
دکتر سعیده صمیمی؛ دکتر پروانه عادل‌زاده؛ دکتر کامران پاشایی فخری	
کیفیت اقتباس داستان عزیز و غزال از نمایشنامه رمئو و ژولیت	۱۳۳
دکتر فاطمه فرهودی پور؛ دکتر مهسا رون	
چکیده انگلیسی	



Self-annotation

A reflection on the self-annotations of the Mahdi Akhavan Sales

Mohammad Hakimazar¹

Received: 3/9/2020

Accepted: 6/6/2021

Abstract

Text annotation has been one of the scientific and literary traditions of Muslims. Annotation has long been a common method in the development of scientific and literary thought in the field of Iranian culture, both by the author himself and by the author's students or critics. Text annotation accelerated from the eighth century AH and in the Qajar era, annotation on jurisprudential texts became common in seminaries. Annotation on contemporary poetry is a strange and uncommon practice that has little history in contemporary Persian literature. Mehdi Akhavan Sales is a prolific and rare poet in this field due to his talent, vast studies, upbringing in the cultural sphere (domain) of Khorasan and familiarity with Persian and Arabic literary texts. He has written various, humorous, informative and delicate Annotations on his poetry. According to this research, the main reason for this is to demystify. This research has been done by an analytical-descriptive method and seeks to find the reasons for the excessive tendency of Mehdi Akhavan Sales to the tradition of self-annotation.

Note: Separate the keywords with a comma, and initials should not be capital. Keywords can be listed in any order. Write the label "Keywords:" (in italic) one line below the abstract, indented

¹ Corresponding author, Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran; ORCID ID; 0000-0002-2910-6875 Email: hakimazar@gmail.com

0.5 inch like a regular paragraph, followed by the keywords in lowercase (but capitalize proper nouns), separated by commas. Do not use a period or other punctuation after the last keyword. If the keywords run onto a second line, the second line is not indented.

Keywords: *Mehdi Akhavan Sales, self-annotation, text annotation, humor, contemporary poetry*

Extended Abstract

1. Introduction

Annotation has a long history in the field of Islamic literature and culture. Writing Annotations on jurisprudential, theological and philosophical texts has been common in ancient times. Annotation has been a common method of teaching Muslims in schools. There is no precise and clear date for the beginning of annotations on Persian texts, especially literary texts. There are many manuscripts with information written in the Annotations. These versions can be seen more from the eighth century AH. Annotation in a period of Iranian history reached a point where Annotation was also drawn on the previously annotated texts, i.e., annotation on annotation. The authors annotated the texts to describe the problems of the text or to prove their knowledge. In some cases the Annotations extended more than the text itself and sometimes received higher scientific values. Text annotation has been common since about the eighth century (AH) and many scholars have tried to do so. Due to the literary and scientific stagnation caused by the Mongol invasion and the weakness that arose in the domain of culture for at least two centuries, literary creativity declined. Translation, text annotation, and text summarising have been common methods of reviewing the past works. Sa'ad al-Din Taftazani (d. 769 AH), a great scientist of the eighth century AH, is famous in this field. He wrote many works in the field of Islamic culture and annotated many of them. As it was said, descriptions, translations, summaries and Annotations on literary texts also flourished from the Mongol period and then from the Timurid era and reached their peak in the Qajar period. During the age of Qajar, some Annotations have been written so unintelligibly that the original

text was forgotten. In our time, Mahdi Akhavan Sales is a famous poet who has paid serious attention to annotations. Mehdi Akhavan Sales has written annotations not only on other people's books but also on his own books and poems. We have called the Akhavan annotations on its own poems Self-annotations.

Research Question(s)

- 1- What is annotation and how did they annotate scientific or literary texts in the past?
- 2- What is the difference between annotations of contemporary writers and poets?
- 3- What were the Akhavan's methods for annotating his own poems?

2. Literature Review

Annotations to literary texts are desirable and perhaps necessary to simplify the text. Mehdi Akhavan Sales's Annotations on his own poetry in his ten books of poetry are the product of a special look at literature in which the principle of informativity prevails over the principle of pleasure. Although we do not intend to judge this here, it can be said that Mehdi Akhavan Sales has annotated his poem because he was worried about misinterpretations or misunderstandings by others. Mehdi Akhavan Sales's annotations are valuable and full of new points in terms of informing and teaching literary-historical points. He sometimes paid more attention to the annotations he made on his own poetry than to his own poetry. Much information such as the meanings of the words, familiarity with many anonymous poets in the field of Persian literature, Arabic literature, Turkish literature and some obscure literary terms can be learned from the annotations of Mehdi Akhavan Sales. Many of these words can only be found in ancient rhetorical texts. Recognition of some unknown but influential people in the history and literature of different regions of the country is the result of studying the Annotations of Mehdi Akhavan Sales.

2. Methodology

This research is written in a descriptive-analytical method. In this research, ten books of poetry by Akhavan Sales were carefully studied

and the Annotations that he has written on his own poetry were recorded. In these Annotations there are sometimes the meaning of a word, the introduction of a character, the description of a poem and sometimes the commentary on political and social issues. After writing down the words, we have analyzed and examined them.

3. Results

This research has been done on ten books of poetry by Akhavan. In the Annotations of the Akhavan's poems, there are articles written by the poet himself. The Annotations that he has written on his poetry are more to show the correct interpretation of his poetry than to show its knowledge. Due to Akhavan's mastery of ancient texts and his familiarity with the Khorasani language, his poetry has certain ambiguities. Akhavan has self-annotated to clear up these ambiguities. By annotating his poetry, while showing his instructive personality in poetry, he has prevented any misunderstanding in his poems. Some of the annotations of Akhavan are humorous. What Akhavan has done in annotating his poetry is a kind of teaching of poetic rules. He teaches younger poets that survival in the world of poetry depends on mastery of speech and knowledge of poetic rules. He does not consider taste alone to be sufficient and cultivates the fields of apprenticeship and learning in poetry. Among Akhavan's literary, social, and political information, we occasionally come across some kind of his special education that has been strange and rare. He sometimes advises to divorce. Akhavan sometimes considers drug addiction something good. These are the recommendations of Akhavan which are norm-evasive. Akhavan Sales is the only poet of contemporary Persian literature who has self-annotated. It is necessary to read the Annotations of his poetry. Anyone who sees the annotations of Akhavan will get a lot of information on lexicography, literature history, and Iranians' literary interests, personality and history.

References

1. Aghabozorg Tehrani, Mohammad Mohsen; *Al-Dari'ah ela-Tasanif al-Shi'ah*; Najaf: Sahib Al-Dari'ah Public Publication, 1970
2. Akhavan Sales, Mehdi; Full text of ten books by Mehdi Akhavan Sales; Tehran: Winter, 1397

3. Al-Hashimi, Ahmad; Jawahir Al- Balaghah; Ed 5, Qom: Qom Seminary Management Center, 1943.
4. Azimi, Milad; Tayyeh, Atefeh; Pir Parnian Andish; Volume 2, Ed 11, Tehran: Sokhan, 1396
5. Chadeganipour, Azam; "Margins and annotations in the lithographic books of the Qajar period"; In the book of the month of art, October 2009, pp. 54-50.
6. Dehkhoda, Ali Akbar; Loghat Nameh; Fifteen-volume course, Institute of Printing and Publishing, University of Tehran: Tehran, 1993
7. Daiches, David; Literary criticism methods; Translated by Mohammad Taghi Sadeghiani and Gholam Hossein Yousefi, Ch 2, Tehran: Elmi, 1990
8. Doroudian, Waliullah; "Annotation"; In Persian Literary Dictionary (Encyclopedia of Persian Literature 2), under the supervision of Hassan Anousheh, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1997
9. Derayati, Mustafa; Indexes of Iranian Manuscripts; Volume 37, Tehran: National Documents and Library Organization of the Islamic Republic of Iran, 2015
10. Fotuhi Rudmajani, Mahmoud; Introduction to Literature; Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies, 2017
11. Goli, Parvin; Zaruni, Ghodratollah; Yari, Ali; Research in Contemporary Ekhvaniah in the Journal of Lyrical Literature; 1396, year fifteen, number twenty-nine, autumn and winter, pp. 192-169.
12. Kakhi, Morteza; Bipberg Garden, Memoirs of Mehdi Akhavan Sales; Tehran: Publishers Publishing, 1991
13. Khatibi, Hussein; The art of prose in Persian literature; Ed 2, Tehran: Zavar, 1996
14. Masoumi Hamedani, Hossein; "On the sidelines"; Danesh Publishing, 1988, 8th year, 5th issue, August and September 1988, pp. 83-72
15. Nezami Arooz, Ahmad Ibn Omar; Chahar Maghalah; Edited by Mohammad Moin, Tehran: Zavar, 2002
16. Richards, A.I, Principles of literary criticism; Translated by Saeed Hamidian, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company, 1997
17. Rudgar, Ghanbar Ali; "Margin and annotation in manuscripts based on ancient texts"; In Payam Baharestan, 1390, Books 18 and 19, Year 12, pp. 114-101.
18. Shafiee Kadkani, Mohammad Reza; States and officials m. Hope; Tehran: Sokhan, 2012.
19. —————; With lights and mirrors; Ch 2, Tehran: Sokhan, 1390.

20. Tash Kobrazadeh, Ahmad Ibn Mustafa; The key to happiness and the lamp
o prosperity in the subjects of science; Beirut, Darol Kotob Al-Elmiyah

حاشیه بر خویشان (تأملی بر خودحاشیه‌نویسهای اخوان ثالث)

دکتر محمد حکیم آذر*

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۶/۱۳

چکیده

حاشیه‌نویسی بر متون از سنت‌های علمی و ادبی مسلمانان بوده است. از دیرباز نگارش حاشیه، چه از سوی خود مؤلف و چه از سوی شاگردان یا منتقدان مؤلف روشی رایج در گسترش اندیشه علمی و ادبی در حوزه فرهنگ ایران بوده است. حاشیه‌نگاری بر متون از قرن هشتم هجری شتاب گرفت و در روزگار قاجار، حاشیه‌نگاری بر متون فقهی به امری متداول در حوزه‌های علمیه تبدیل شد. حاشیه‌نگاری بر شعر، آن هم شعر معاصر، غریب و نامتداول است که چندان سابقه‌ای در ادب معاصر فارسی ندارد. مهدی اخوان ثالث به سائقه استعداد، مطالعه زیاد، پرورش در حوزه فرهنگی خراسان و آشنایی با متون ادب فارسی و عربی در این زمینه شاعری پرکار و کم مانند است. اخوان ثالث بر شعر خود از مجموعه «ارغنون» تا آخرین مجموعه شعریش، «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم»، حاشیه‌های گوناگون، طنزآلود، آگاهی‌بخش و ظریف نگاشته است. بر اساس این تحقیق، عمده دلیل او برای این کار دفع دخل مقدر و ابهام‌زدایی از نظریات ادبی او توسط دیگران است. این تحقیق به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده و در پی یافتن علل گرایش فراوان اخوان به سنت خودحاشیه‌نویسی است.

کلیدواژه‌ها: شعر، اخوان ثالث، خودحاشیه‌نویسی اخوان ثالث، حاشیه‌نگاری شاعره، شعر معاصر و حاشیه‌نگاری، طنز در شعر معاصر

مقدمه

حاشیه‌نویسی در حوزه ادب و فرهنگ اسلامی، تاریخی دیرپای و درازدامن دارد. نوشتن حاشیه بر متون فقهی، کلامی و فلسفی در گذشته رایج و جزو روشهای متداول آموزشهای مدرسی و مکتبی مسلمانان بوده است. تاریخ دقیق و روشنی در مورد آغاز حاشیه‌نویسی بر متون فارسی خاصه متون ادبی وجود ندارد؛ اما نسخه‌های خطی‌ای که به قلم اهل فضل، حاشیه‌نویسی شده، بسیار است و از قرن هشتم هجری به این سو دیده می‌شود. حاشیه‌نویسی در دوره‌ای از تاریخ ایران به جایی رسید که حاشیه بر حاشیه نیز رسم شد. علما از پی شرح مشکلات متن یا برای اثبات فضل خویش بر متقدمان، متن یا متونی را حاشیه‌نویسی کردند. در برخی موارد، حاشیه از متن گسترده‌تر و بعضاً از نظر علمی ارزشمندتر شد. حاشیه‌نگاری بر متون از حدود قرن هشتم هجری به بعد رایج بوده است و دانشمندان زیادی در این طریق کوشیده‌اند. با توجه به رکود ادبی و علمی ناشی از ایلغار مغول و رخوتی که در حوزه فرهنگ، دست‌کم برای دو قرن پدید آمد، خلاقیت ادبی رو به سستی رفت و مرور آثار پیشینیان قوت گرفت.

یکی از روشهای پسندیده در مرور آثار گذشتگان ترجمه، شرح نویسی، حاشیه‌نویسی و تلخیص متون بوده است. سعدالدین تفتازانی (ف. ۷۶۹) دانشمند بزرگ قرن هشتم هجری در این زمینه نمونه‌ای اعلاست. وی آثار زیادی را از حوزه فرهنگ اسلامی شرح نویسی کرد و بر بسیاری از آنها حاشیه نگاشت. بخشی از شرحها و تحشیه‌های این دانشمند و ادیب ایرانی عبارت است از: «شرح تصریف زنجانی»، «شرح عقاید نسفی»، «الشرح المطول»، «الشرح المختصر»، «شرح قسم سوم مفتاح العلوم»، «شرح رساله شمسیه کاتبی قزوینی»، «حواشی بر شرح قطب رازی بر رساله شمسیه قزوینی»، «شرح ایساغوجی ابهری»، «شرح العقائد النسفیة»، «شرح بر شرح ایجی بر المختصر فی الاصول ابن حاجب»، «اختصار شرح تلخیص الجامع الكبير»، «النعم السوابغ فی شرح الکلم النوابع»، «حاشیه بر کشف زمخشری» و آثار دیگری که در این جستار نمی‌گنجد (نک: طاش کبری زاده، ۱۴۲۲: ص ۱۹۳). شرح و ترجمه و تلخیص و حاشیه بر متون ادبی نیز از دوره تیموری رونق گرفت و در دوره قاجار به اوج رسید. در دوره قاجار برخی حاشیه‌ها چندان در پیله تعقید و فضل فروشی گرفتار آمد که متن اصلی از یاد رفت.

در دوران مشروطه و پس از آن در پی آشنایی ایرانیان با شیوه‌های پیشرفته تحقیق و نیز فراگیر شدن صنعت چاپ، بسیاری از محققان ایرانی به نگارش حواشی بر متون قدیم و جدید دست زدند و به ایضاح مشکلات متون پرداختند. در این میانه می‌توان به نامهای آشنایی چون محمد قزوینی، قاسم غنی، جلال الدین همایی، محمد معین و ایرج افشار اشاره کرد؛ برای نمونه محمد معین در شرح و گسترش معانی لغات در برهان قاطع، حواشی عالمانه و دقیقی نگاشت که اغلب بر توضیحات محمد حسین بن خلف تبریزی برتری دارد و بسیاری از مشکلات واژه‌شناسی در زبان فارسی را حل کرده است.

حاشیه از نظر معنایی باید تکمله‌ای بر متن باشد و اگر در شرح و گسترش موضوعی نکوشد که به متن مربوط است، زاید است. حاشیه‌نویسی علمای دینی بر متون پیشین به قصد ساده‌تر کردن متن و گشودن زوایای پنهان آن، این رویکرد را به سستی علمی بدل کرد به طوری که بسیاری از فقیهان و ادیبان از عصر صفوی تا امروز، دست‌کم به حاشیه‌نویسی بر متن علمی یا ادبی پیش از خود روی خوش نشان داده، و حتی گاه به حاشیه بر حاشیه هم روی آورده‌اند. بخشی از این حواشی را می‌توان در ذیل دید: «حاشیه فوائد الضیائیه از محرم بن محمد زیلی»، «حاشیه قصیده برده از علی بن محمد مازندرانی»، «حاشیه مغنی اللیب از قاسم سامنی ملایری»، «حاشیه فرائد الاصول میرزا موسی آذربایجانی»، «حاشیه معالم الاصول از محمد مهدی بن محمد ابراهیم کرباسی»، «حاشیه فرائد الاصول مهدی کجوری مازندرانی»، «حاشیه القوانین المحکمه مرتضی بن محمد امین انصاری»، «حاشیه التعادل و التراجیح علی روزدری»، «حاشیه معالم الاصول علی بن اسماعیل قزوینی»، «حاشیه الفصول شیخ محمد اصفهانی»، «حاشیه الفصول علی علم الاصول از محمدصادق بن مهدی طباطبایی سنگلجی» و ...

نگاهی به فهرست طولانی نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران و نیز منابع کتابشناسی نظیر الذریعه الی تصانیف الشیعه از شیخ آقا بزرگ طهرانی نشان می‌دهد که فقط بر فرائد الاصول شیخ انصاری ده‌ها حاشیه نوشته شده و هر نویسنده‌ای از ظن خود این منبع مهم فقهی را شرح، تفسیر یا تأویل کرده است.

سبب اصلی نوشتن حاشیه، ایضاح متن و بازگشودن مسائل پیچیده آن بوده است. وجود حاشیه برای دفع دخل مقدر و رفع سوءتفاهمها ضروری به شمار می‌رفت. از

دلایل پدیدار شدن مسأله در متن اصلی می‌توان به؛ ۱- فاصله زمانی نویسنده متن با حاشیه‌نویس ۲- پیچیدگی و غموض زبانی متن ۳- ضعیف بودن سطح دانش مخاطبان ۴- تکمله نگاری بر کمبودهای متن اصلی اشاره کرد. در گذشته حاشیه‌ها گاه چنان به دست و پای دانشجویان و طلاب علوم پیچیده است که از دل این ماجرا شوخی معروف «علیکم بالمتون لا بالحواشی» بیرون زده است. این نکته را نباید از نظر دور داشت که حاشیه‌نویسی در متون قدیم پس از ظهور صنعت چاپ و تکثیر متون، سیر نزولی به خود گرفت و طبعاً هر متنی در چاپهای متعدد بسامانتر و روشتر نگاشته شد. آرایه‌های «تتمیم»، «تذیل»، «حشو»، «اعتراض الکلام»، «احتراس» و «تکمیل» در فنون ادبی فارسی و عربی برای موجه جلوه دادن همین تصرفات از سوی شارح و حاشیه‌نویس ساخته شده است. صاحب جواهر البلاغه در مورد احتراس می‌گوید: «الاحتراس و يقال له التكميل و هو أن يؤتى في كلام يوهم خلاف المقصود بما يدفع ذلك الوهم» (الهاشمی، ۱۹۴۳: ص ۱۸۷). بر این اساس روشن می‌شود که تتمیم معنا و ذیل نویسی بر کلام، چه از سوی ماتن و چه از سوی دیگران در بلاغت عربی و فارسی نیز، موجه بوده است.

حاشیه‌ها گاهی از متن اصلی جذابتر است؛ گاه نیز حاشیه را خود نویسنده بر تصنیفات خود افزوده است که به این کار می‌توان خودحاشیه‌نویسی یا خودحاشیه‌نگاری نام داد. در روزگار ما یکی از خودحاشیه‌نویسان معروف، باستانی پاریزی است. باستانی در آثار فراوانی که در تاریخ و فرهنگ ایران و کرمان نوشته به حدی حاشیه‌نویسی کرده است که گاه رشته افکار مخاطب از دنبال کردن متن گسسته و متوجه حواشی می‌شود. از دلایل پرحاشیه بودن کتابهای باستانی پاریزی - گذشته از اصرار او به باز کردن هر تعقید و گره در متن - این است که از زمان سپردن کتاب به ناشر تا درآمدن کتاب از چاپخانه ذهن جوآل نویسنده به نکات تازه‌ای دست می‌یافت که لازم می‌دید آنها را در ذیل صفحات متن اضافه کند. معصومی همدانی هم این موضوع را تأیید می‌کند (نک: معصومی همدانی، ۱۳۶۷: ص ۷۳)؛ از همین روست که برخی معتقدند اصولاً حواشی بر متون ادبی - تاریخی (که ویژگی بارز آثار باستانی پاریزی نیز هست)، ناپسند است. از دید منتقدان، فراوانی اطلاعات در متن و اضافه بر آن در حاشیه، مانعی برای دریافت درست معنا و سببی برای سر در گمی مخاطب است.

مخالفان خودحاشیه‌نویسی معتقدند، نویسنده اولاً نباید حاشیه بنویسد. ثانیاً اگر چنین کرد، باید حاشیه‌ها را در آخر متن در بخش پی‌نوشت بیاورد تا ذهن مخاطب را بی‌جهت آشفته نکند. در مواردی نیز لازم است که حواشی در چاپهای بعد به جای اینکه به فصل استدراکات یا یادداشتها برود در متن داخل شود. این امر مستلزم بازبینی دقیق کتاب و ارائه ویراستی جدید از آن است. در ممالک غربی اعتبار ویراستهای جدید هر کتاب از چاپهای قبل آن بیشتر است؛ اما این موضوع در ایران به دلیل مشکلات اقتصادی و هزینه‌های سنگین چاپ دوباره کتاب، کمتر مورد نظر نویسندگان است.

از عصر صفوی تا روزگار ما سیر تحول حاشیه‌نویسی بر متون فزاینده بوده است. از عصر تجدد به این سو نیز حاشیه‌نویسی بر آثار ادبیات معاصر و هم‌چنین بر قصه و داستان مترجم از رویکردهایی است که در ادبیات فارسی دیده می‌شود. حتی برخی معتقدند روایت^۱ متن فیلم یا تئاتر، که از سوی راوی برون‌متنی گفته می‌شود، نوعی حاشیه توضیحی است و به‌موجب این ادعا می‌توان گفت که دامنه این کار تا سینما هم کشیده شده است (نک: معصومی همدانی، ۱۳۱۳۶۷: ص ۷۲).

در حاشیه‌نویسی، زبان متن، گرایش علمی و اعتقادی نویسنده، زمان خلق اثر اصلی، سلیقه و گرایشهای فکری حاشیه‌نویس، غرض حاشیه‌نویس، زمان حاشیه‌نویسی و مخاطب متن از ارکان اصلی این رویکرد به شمار است. در این تحقیق به حاشیه بر آثار دیگران و نیز حاشیه بر آثار غیرادبی کاری نداریم بلکه به خودحاشیه‌نگاری و مشخصاً به حاشیه‌نویسی‌های مهدی اخوان ثالث بر شعر خود می‌پردازیم.

شرح، تعلیقه، حاشیه

شرح نویسی نوعی حاشیه‌نویسی بر متن است. در شرح نویسی تقریباً جمیع جوانب اثر مدنظر شارح است و اوست که می‌کوشد تا نکته‌ای در فهم متن برای مخاطب پنهان نماند و جواب سؤال مقدر داده شود. در مورد نسبت شارح و ماتن گفته‌اند: «الشارح خطأ (ای مخطیء) یعنی شارح کسی است که از ماتن خرده می‌گیرد و خطای او را آشکار می‌کند. شارح از شرح لغات گرفته تا معرفی اعلام و جایها و تفسیر شعر بر اساس ایدئولوژی شاعر و نهایتاً اظهار نظر در معانی پنهان شعر را در نظر دارد و بدانها متوجه است؛ اما حاشیه را از حشو دانسته‌اند و گفته، توضیحی است زائد بر متن که اگر نباشد خللی به متن وارد نمی‌شود. تعلیقه و شرح، ایضاح غوامض و رموز متن است و

از نظر پیشینیان از حاشیه‌نویسی برتر است. آنچه ما امروز از حاشیه‌نویسی درمی‌یابیم، همان معنای تعلیقه‌نویسی و شرح‌نویسی را در خود پنهان کرده است؛ لذا وارد بازی الفاظ نمی‌شویم و حاشیه را توضیحی می‌دانیم بر متن اصلی؛ خواه حاشیه‌نویس خود ماتن باشد و خواه دیگری.

پیشینه تحقیق

آن‌گونه که معصومی همدانی در مقاله «در حاشیه» در مجله نشر دانش (۱۳۶۷) گفته است در مورد حاشیه‌نویسی، تحقیق مستقلی انجام نشده و شاید بتوان مقاله ایشان را اولین گام (چنانکه خود گفته است) در معرفی و شناخت حاشیه‌نویسی در ادب فارسی دانست. در دانشنامه‌های موضوعی نیز به این اصطلاح توجهی نشده مگر اینکه درودیان در جلد دوم دانشنامه ادب فارسی، ذیل حاشیه‌نویسی مقاله مختصری نوشته است که استخوانبندی آن، همان مقاله معصومی همدانی است. در لغتنامه‌ها هم ذیل حاشیه‌نویسی چیزی بیشتر از آنچه در لغتنامه دهخدا هست، نیامده است. دهخدا می‌گوید:

از آنجا که حاشیه‌نویسی بر کتب و اظهار نظر در تألیف دیگران از تألیف آسانتر است از قدیم عمومیت بسیار یافته است ولیکن پیش از مائه دهم اندکی محدودتر بوده و حاشیه‌نویسان فقط به توضیح برخی عبارات مغلق اکتفا می‌کردند و حاشیه‌های این دوره‌ها عموماً واضح و روشنتر از متن می‌باشد؛ برعکس در دوره صفوی و قاجاریه، که می‌توان آن را دوره حاشیه‌نویسی نامید، عده حاشیه‌ها بسیار است و عبارات حاشیه از متن مغلق‌تر و پیچیده‌تر شده است و هر قدر در تاریخ پیش آییم، این خاصیت آشکارتر گردد (دهخدا، ۱۳۷۲: ذیل حاشیه‌نویسی).

اعظم چادگانی پور در مقاله‌ای با عنوان «حاشیه و حاشیه‌نویسی‌ها در کتابهای چاپ سنگی دوره قاجار» در مهر ماه سال ۱۳۸۸ در ماهنامه کتاب ماه هنر به حاشیه‌نگاری بر متون در دوره مورد تحقیق خود اشاره، و آنها را از دید زیبایی‌شناسی هنری بررسی کرده است. مقاله دیگری نیز به قلم قنبرعلی رودگر در سال دوازدهم نامه بهارستان، دفتر ۱۸ و ۱۹ منتشر شد با عنوان «حاشیه و حاشیه‌نویسی در نسخه‌های خطی»، که همانند مقاله پیشگفته صرفاً به موضوع حاشیه‌نگاری بر دستنویسهای قدیم پرداخته و آنها را از نظر شکلی و محتوایی دسته‌بندی کرده است. در مورد خودحاشیه‌نویسی در

ادب معاصر و رویکردها، علل و پیشینه آنها تحقیقی انجام نشده و این مقاله نخستین کوشش در این زمینه است.

بنیان نظری تحقیق

حاشیه‌نویسی بر متون ادبی، آن‌گاه که متن ادبی در پילה تعقیدات و مشکلات لفظی و معنایی گرفتار آمده باشد، پسندیده و شاید ضروری است. حاشیه‌های مهدی اخوان ثالث بر شعر خودش در دفترهای دهگانه شعری او از «ارغنون» تا «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم»، محصول نگاهی خاص به ادبیات است که در آن اصل آگاهی رسانی بر اصل مسرت یا لذت برتری می‌یابد. هرچند در اینجا قصد داوری در این باب نیست، می‌توان گفت اخوان ثالث برای این به حاشیه‌نویسی بر شعر خود دست یازیده که نگران تفاسیر غلط یا بدفهمی‌های رایج بوده است. حاشیه‌های اخوان از نظر اطلاع‌رسانی و آموزش نکات ادبی - تاریخی، غنی و پر از نکته‌های بدیع است و گاه اصل شعری را که بر آن حاشیه زده است تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بیشترین آنچه از حاشیه‌های اخوان می‌توان آموخت: معانی واژه‌ها، آشنایی با بسیاری از شاعران کمنام در حوزه ادبیات فارسی، عربی و ترکی، برخی اصطلاحات غریب ادبی که فقط در مطاوی متون کهن بلاغی می‌توان آنها را یافت و شناخت برخی افراد اثرگذار در تاریخ و ادبیات مناطق مختلف کشور و ...

بحث بر سر اینکه هدف شاعر از سرودن شعر ایجاد لذت در خواننده است یا تعلیم دادن به او در طول تاریخ نقد ادبی همواره جریان داشته است. «هوراس محتاط می‌گفت: شاعران یا می‌خواهند تعلیم دهند یا لذت بخشند یا هر دو را با هم جمع کنند؛ یعنی استوار و سودمند را با خوشایند پیوند دهند» (ریچاردز، ۱۳۷۵: ص ۵۶). اخوان ثالث در القای حس لذت‌جویی از شعر، زمینه دوم یعنی آموختن را نیز در نظر داشت. او استوار را با خوشایند ترکیب کرد تا بتواند ماندگاری اثر را در هر دو فضای عاطفی و عقلانی تضمین کند. جان درآیدن، شاعر، نمایشنامه‌نویس و منتقد معروف انگلیسی نیز بر همین اصل، که همه چیز باید به‌منظور لذت و آموختن نوع بشر انجام گیرد، اصرار می‌ورزید (نک: دیچز، ۱۳۶۹: ص ۱۳۶). گرچه این نوع توصیه به تعلیم و تهذیب نفس از طریق آموختن، محصول دوره پیشامدرن ادبیات است از این نکته نیز نمی‌توان غافل شد که پیشفرض سخنوران و شاعران ایرانی بویژه آنها که به فضاهای سستی شعر آشنایی و

تمایل داشتند، اصل تعلیم خصوصاً تعلیم اخلاقی در خلال ادبیات بوده است. اخوان ثالث به دلیل آشنایی با فضاهای سنتی شعر و زبان قدیم خراسان، نماینده آن بلاغت راستینی است که فصاحت ظاهر را چندان وقعی نمی‌نهد (نک: شفیعی کدکنی، ۱۳۱۳۹۰: ص ۵۵۵) و به تعلیم پایبند است. اخوان در حاشیه‌نگاری بر شعر خود غالباً این چند رویکرد را دارد: ۱- توضیح یک واژه یا اصطلاح ۲- معرفی یک شخصیت ادبی- تاریخی ۳- شوخی و مطایبه با دیگران ۴- اشاره به یک رویداد تاریخی یا شرح یک رخداد ۵- توضیح در شأن نزول شعر ۶- اخوانیه گویی و مجابات با ادیبان معاصر ۷- اظهار و ایضاح عقیده شخصی.

این پژوهش می‌کوشد ضمن دسته‌بندی انواع رویکردهای اخوان در حاشیه‌نگاری بر شعر خویش به جنبه‌های مختلف این کار توجه کند.

کارنامه اخوان در یک نگاه

مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷-۱۳۶۹) از شاعران معروف و پرکار ادبیات معاصر و از شاگردان مکتب نیما یوشیج است که ضمن نقش‌آفرینی جدی در ادب معاصر فارسی در زندگی پر فراز و نشیب خود تحولات فکری قابل‌توجهی را تجربه کرد. شاعری که با منظومه ارغنون و نظیره گویی بر شعر منوچهری و فرخی و ناصرخسرو شروع کرد و به «زمستان»، «آخر شاهنامه» و «از این اوستا» رسید. وی در آخر عمر بناچار از تمام بیانیه‌های سیاسی و اجتماعی دست کشید و به قول خودش به طنز و مطایبه روی آورد تا جایی که در مقدمه «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» اقرار به‌ضرورت تعدیل برخی رکاکتها در شعرش کرده، از خوانندگان طلب حلالیت کرد. آن شاعر حماسه‌سرای فصل سرد مبارزات سیاسی، کارش به شوخی با دوست و رفیق و سر و همسر رسید و گویی به این ادراک فلسفی- عرفانی دست یافت که «کار جهان و خلق جهان جمله در هم» است. اخوان در مقدمه «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» می‌گوید:

با همه بی‌حوصلگی باید بگویم که دیگر من حوصله‌ام سر آمده است. پریشانی کتاب را بر من ببخشایید. این کتاب، غزل خداحافظی هم هست با یک عکس که دکتر مرتضی اخوان کاخی گرفته و حال مرا به درستی و راستی نشان می‌دهد و دیگر درود و بدرود (اخوان ثالث، ۱۳۹۷: ص ۱۱۷۰).

اخوان و خودحاشیه‌نویسی

برخی حاشیه‌نویسی را بر اثر ادبی نابجا دانسته‌اند (نک: معصومی همدانی، ۱۳۱۳۶۷: ص ۷۲)؛ اما در مورد اخوان ثالث و باستانی پاریزی واقعیت از لونی دیگر است. تاریخ معاصر ایران سرشار است از رویدادها و شخصیت‌های گوناگون که لازم است برای همگان شناسانده شوند بویژه آن هنگام که قرار است در دل شعری، نامی از این افراد یا یادی از آن رویدادها به میان بیاید. اخوان و باستانی با خودحاشیه‌نویسی در رفع سوءتفاهمها و روشن کردن تکلیف نامها ابهامها را زدودند و راه را بر تأویلها و تفسیرهای ناصواب بستند. به نظر می‌رسد برای اخوان ثالث، دست‌کم در اواخر عمر، جنبه تعلیمی شعر و کارکرد آموزشی آن اهمیت بیشتری داشته است تا جنبه رمانتیک و عاطفی آن.

شاعری که شعر برای شعر بگوید، شاید به ایضاح نیازی نداشته باشد. او درک شعر را بر عهده خواننده می‌گذارد یا اساساً به تأویل و تفسیرهای گوناگون از شعر خود اهمیت می‌دهد و شعر را در آسمان تفاسیر متعدد رها می‌کند. این‌گونه ادیبان و شاعران هرگونه توضیح یا حاشیه‌ای را بر اثر ادبی برنمی‌تابند و آن را نوعی توهین به شعور مخاطب تلقی می‌کنند. کما اینکه در هشت کتاب سهراب سپهری غیر از چهار پنج توضیح مختصر، که یکی اشاره به دستکاری شدن کتاب "مرگ رنگ" بعد از انتشار نخست (ص ۱۳) و دیگری اشاره به آماده بودن شعرهای کتاب "آوار آفتاب" در ۱۳۳۷ (ص ۱۳۴) و بعدی تقدیم کتاب «حجم سبز» به بیوک مصطفوی (۳۳۱) و دیگری تقدیم شعر نشانی به ابوالقاسم سعیدی (ص ۳۵۸) و سرانجام پاره‌ای از تی. اس. الیوت بر صدر شعر معروف "دوست"، که در رثای فروغ فرخزاد سرود (ص ۳۹۸)، بوده است، هیچ توضیح دیگری در صدر و ذیل اشعار نمی‌توان دید. هرچند می‌توان گفت شاید آن دو مورد نخست هم کار ناشر بوده و به سپهری ربطی نداشته است.

اخوان ثالث به کارکردی غیر از لذت در شعر نیز قائل است و آن آگاهی بخشی است. این وجه ممیز او با کسی مثل سهراب سپهری است. اخوان را می‌توان شاعری دانست که دانسته یا ندانسته از شعرش کلاس درس ساخته است.

زمینه علمی اخوان

از آغاز سده چهاردهم خورشیدی و با تأسیس دانشگاه تهران نهادی در ایران شکل گرفت

که آموزش زبان و ادبیات فارسی را بر مبنای نظریات استادان متبحر در علوم حوزوی و زبان و ادبیات عرب امکانپذیر کرد. از ملکالشعرای بهار و رشید یاسمی و عبدالعظیم قریب و احمد بهمنیار نسلی از شاگردان درس گرفتند که بعدها گسترش دهندگان دیدگاه‌ها و نظریه‌های علمی استادان خود بودند. اولین درس‌خوانده‌های دانشکده ادبیات، مناصب تدریس و پژوهش را در این رشته در دانشگاه به دست گرفتند و کم‌کم با ادبیاتی که در نتیجه تحولات اجتماعی در حال شکل‌گیری بود - و ادبیات معاصرش می‌نامیم - فاصله گرفتند. جبهه‌گیری جریانها و انجمن‌های ادبی از درون و بیرون دانشگاه منجر شد که دانشگاه، ادبیات نو و ادیبان نوگرا را به رسمیت نشناسد و این گسست تا به امروز استمرار یابد. شعر نو، که محصول انقلاب فکری و اجتماعی جامعه ایرانی است به همراه خود جریانهای گوناگون ادبی را پدید آورد و در پی آن آثار ادبی تازه‌ای به فضای فرهنگی ایران راه یافت که پیش از آن وجود ماهوی نداشت. این روح تعالی و پیشرفت در ادبیات سبب شد که دو جامعه ادیبان و ادبیات‌شناسان در سده اخیر رو در روی یکدیگر قرار بگیرند و با حالتی شبیه به قهر، هرکدام سرشان به کار خود گرم باشد.

در سده اخیر، عمدتاً آنان که با ادبیات سر و کار دارند یا از جنبه ذوقی بدان نگریده‌اند یا از دیدگاه علمی. اولی را هنرمند یا ادیب معاصر و دومی را پژوهشگر یا استاد ادبیات می‌دانند (رک. فتوحی، ۱۳۹۶: ص ۷۲). در بین استادان زبان و ادبیات فارسی کمتر دیده‌ایم استادانی که از ذوق ادبی سرشار برخوردار باشند و در عین حال در کار پژوهش نیز صاحب‌نظر و نظریه باشند. ملکالشعرای بهار و شفیعی کدکنی از این جمله‌اند. در سوی مقابل نیز شاعرانی که روح پژوهش ادبی را دریافته باشند و بتوانند با توغل در متون از عهده حل مشکلات برآیند و از توانایی در شناخت زبان و تاریخ ادبیات و بلاغت برخوردار باشند، کم دیده‌ایم. مهدی اخوان ثالث از معدود کسانی است که علاوه بر ذوق شاعری و توانایی در خلق اثر ادبی، پژوهش ادبی و نظام آن را می‌شناخت. این را می‌توان با نگاهی به آثار تحقیقی او و نیز با نگرشی بر حاشیه‌های او دریافت. کتابهای «نقیضه و نقیضه سازان»، «بدایع و بدعت‌های نیما» و نیز کتاب «عطا و لقای نیما یوشیج» از آثار تحقیقی او در ادبیات فارسی است. اصالت علمی نظریه‌های ادبی او در این کتابها و نیز مقالاتی که در طول بیش از چهل سال شاعری و تتبع در

متون ادبی خلق کرد، گواه صادق توانایی او در حوزه‌های مختلف ادبیات فارسی و عربی است. شفیع کدکنی در این مورد می‌گوید: «اخوان محقق برجسته‌ای بود. کمتر کسی در این تردید می‌تواند داشته باشد. بسیاری از نوشته‌های او با بهترین رساله‌های دکتری دانشگاهی قابل مقایسه است و در نوآوری و خلاقیت ذهن بر اکثریت قریب به اتفاق آن رساله‌ها رجحان دارد» (شفیع کدکنی، ۹۱: ۴۸).

اخوان در خلال سرودن اشعار با مخاطبی که آن را همواره حاضر و ناظر تلقی می‌کند، مباحث واژه‌شناسی، ریشه‌شناسی لغات، زبانشناسی تاریخی، بلاغت فارسی و عربی، ترجمه، تاریخ ادبیات، تاریخ اجتماعی-سیاسی، شخصیت‌شناسی و جریان‌شناسی ادبی را عمده‌تاً در پیله‌ای از طنز در میان می‌گذارد و همین امر، جذابیت دفترهای شعری او را افزون می‌کند. او حتی در جاهایی که به مخالفت با رخدادی یا شخصیتی برمی‌خیزد، جنبه علمایی کار را و نمی‌نهد و استادانه بر سر خصم می‌تازد. نمونه عالی این مدعا اعتراضی است که به علی موسوی گرمارودی در مؤسسه فرانکلین کرد و تکمله‌ای که بعداً بر این اعتراض نوشت.

گونه‌های مختلف حاشیه‌های اخوان

در بررسی دفترهای شعری اخوان از ارغنون تا «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم»، نثر اخوان در بین شعر او خودنمایی غلیظی دارد و حتی گاه بر شعر او سایه می‌اندازد؛ مثل «مؤخره از این اوستا» یا «مؤخره ارغنون» یا «مقدمه تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم». اخوان در میدان دادن به نثر طنزآمیز تحقیقی-انتقادی خود در بین شعر، سه گونه رفتار کرده است:

الف) مقدمه‌های پرملاط و ناب نوشته و تکلیف خود را با خواننده روشن کرده است.

ب) مؤخره‌های سنگین نوشته و نظریه‌های ادبی، سیاسی و اجتماعی خود را در آنها گزارش کرده است.

ج) حاشیه نوشته، و در حاشیه‌ها رفع ابهام کرده یا نکته‌ای را گزارش کرده یا چیزی را به خواننده آموخته است.

در بین آنچه از نثر اخوان در خلال شعرش وجود دارد، سر و کار ما با گونه سوم است.

آگاهی بخشی در خودحاشیه‌نویسی

در همین ابتدا باید گفت که کمتر حاشیه یا پی‌نوشتی را در دفترهای شعری اخوان می‌توان یافت که در لفافه‌ای از طنز پیچیده نشده باشد. در مطالعه‌ای که بر تمام دفترهای شعری اخوان انجام شد، فضای طنز و بیشتر طنز سیاه در حاشیه‌نویسی او دیده می‌شود. در حاشیه‌های اخوان، گاه برخی رویکردها همپوشانی دارد. این نمی‌تواند اصل موضوع را تحت تأثیر قرار دهد؛ چرا که تعداد همپوشانها بسیار کم و طبعاً قابل اغماض است. رویکردهای خودحاشیه‌نگارانه اخوان بر شعر خود عبارت است از:

۱. توضیح یا شرح یک واژه یا اصطلاح (۱۸۴ مورد)
۲. تضمین، استقبال، گوشه نظر به شعر دیگران و حکمت عامه (۸۶ مورد)
۳. اخوانیه و مجابات (۷۳ مورد)
۴. معرفی یک شخصیت ادبی، تاریخی، اجتماعی (۶۳ مورد)
۵. گزارش مستقیم شأن نزول شعر (۴۱ مورد)
۶. اظهار عقیده صریح در باب موضوعی خاص (۲۷ مورد)
۷. گزارش یک رویداد تاریخی یا واقعه‌ای شخصی (۲۵ مورد)

توضیح یا شرح یک واژه یا اصطلاح

غنای واژگانی شعر اخوان، که تابعی از دانش گسترده او در ادب فارسی و عربی است، سبب شد که سخن اخوان موزه‌ای از کلمات نو و کهن باشد و برای شناخت معانی و مفاهیم برخی از این واژه‌ها دستیاری فرهنگها و قاموسها را ضروری جلوه دهد. هرچند برخی این به اصطلاح دوزبانگی اخوان را برنتابیدند (نک: عظیمی و طّیه، ۱۳۹۶: ص ۹۳۰)، کسانی هم مانند انجوی شیرازی به غنای واژه در شعر اخوان مقررند و می‌گویند: «آن قدر کلمه در حافظه داشت که برای ادای یک مقصود می‌توانست صورتهای گوناگون آن مضمون را از گنجینه خاطر بیرون کشد و از آن میان بهترین ترکیب خوش‌تراش و خوشاهنگ را عرضه کند و این تسلط را به دست نیاورده بود مگر از برکت خواندن و بسیار خواندن» (کاخ، ۱۳۷۰: ص ۱۱۷). بیشترین اهتمام اخوان ثالث در حاشیه‌نویسی، شرح لغات و گزارش معانی واژه‌ها و اصطلاحات است. برخی از این واژه‌ها را می‌توان با مراجعه به یک فرهنگ لغات دم‌دستی نیز یافت؛ ولی اخوان با این کار راه مخاطب را

کوتاه و دسترسی او را به معنا ساده‌تر کرده است. برخی دیگر از واژه‌ها را، که یا خود اخوان ساخته یا معانی غریب دارد، وی در حاشیه به شکلی واضح شرح داده و اینجا نیز زحمت مخاطب را کم کرده است. واژه‌ها، ترکیبات، عبارات و اصطلاحات مشروح اخوان در حاشیه دفترهای شعری او عبارت است از^۲:

اتاقه ۱۶۲۱ / احمدآباد ۲۸۹ / استلام حجر ۱۴۳۰ / اسم شب ۱۴۱۹ / اگر ۸۹۹ و ۱۳۷۰ / الا
هبی بصحنک فاصبحینا ۱۲۶۴ / الپر ۱۴۲۷ / الله ۱۳۱۰ / امروز ۸۱۰ / ان الجواد قد یکبوا ۱۴۹۴ /
انا بشر مثلکم ۱۳۵۶ / اندر و اصلی ۱۳۲۷ / انیران ۱۲۲۲ / اوبر ۱۴۷۶ / اونار ۱۴۷۷ / اهورامزدا
۱۳۱۱ / آب کسی بردن ۱۴۵۶ / آرمان‌شهر ۱۴۱۳ / آزادی ۱۳۲۶ / آساد ۱۳۶۲ / آیه‌ای از قرآن
۱۲۷۶ / بدست ۱۴۱۲ / بُرم ۱۴۷۷ / بابزن ۱۲۷۰ / باغتره ۱۳۶۲ / بآفرین ۱۷۳۹ / بچه میخ قیچی
است ۱۴۲۸ / بر ۱۲۸۵ / برارزود، ورزود، ورارود ۱۲۹۴ / برجای ۱۳۳۶ / بردی ۱۳۳۶ / پروت
۱۱۹۶ / بلمایه ۱۲۱۴ / بوسفیان ۱۳۰۱ / بهدین ۱۳۶۶ / بیور ۱۳۲۶ / پارگین ۱۷۳۹ / پدما ۱۳۲۶ / پرپی
۵۰۸ / تَرْتاس ۱۴۰۸ / تاری ۱۳۱۰ / ترجیح اصل بر پاورقی و بالعکس ۹۰ و ۱۴۷ / تکه
۱۴۰۴ / تلک شقشقه هدرت ۱۳۳۶ / تناد ۱۳۶۲ / تنسگل ۱۸۳ / توسیم ۱۳۵۲ / توله آدمکش
۱۳۰۱ / تیمسازا ۹۹۴ / جلّه ۱۴۱۸ / جان جهان ۱۳۱۰ / جعفر ۱۳۲۶ / جنان ۱۳۳۷ / جندک ۱۳۴۶ / جور
مضاعف ۱۲۱۶ / جیک و پُک ۱۴۰۸ / چار ضرب قلندری ۱۱۹۵ / چخت ۱۴۷۷ / چشته خور
۱۴۰۹ / چند بازی کودخانه خراسانی ۱۱۰۵ / چندرگ‌فام ۱۴۰۸ / چوب خدا صدا ندارد
۱۲۷۶ / حزب بعث عراق ۱۲۰۱ / حصان ۱۳۳۶ / حمدان ۱۳۵۶ / خراطین ۱۳۰۷ / خرده زر
۶۹ / خروب ۱۷۲۴ / خسروانی و نوخسروانی ۱۰۷۴ / خسوف ۱۵۲۵ / خشکانه ۱۲۴۲ / خفتگان
نقش قالی ۵۶۹ / خون خدا ۱۲۱۴ / داس ایس آین ایده ۱۴۲۸ / داوودی ۱۲۷۳ / دای و دایه
۱۲۱۴ / شرح یک مصرع ۱۱۹۷ / درساره ۱۳۰۷ / دساتیر ۱۳۲۶ / دستان و زال ۱۴۴۶ / دلنگون
۱۴۷۷ / دو مثل عامیانه ۱۲۷۶ / دو مصرع نخست برای یک غزل ۱۲۱۸ / دیهور ۸۹۹ و
۱۳۷۰ / رکشا ۱۷۰۲ / رادیو و تلویزیون در تلفظ خوابیان ۱۴۱۸ / راه‌گردانی قناری ۱۴۱۸ / رایبی
۱۴۷۷ / روان ۱۲۷۶ / روح بزرگ ۱۳۱۰ / رویّه ۱۰۱۰ / سام و شهریار ۸۶۹ / سبزنا ۹۰۶ و
۱۵۲۵ / ستان و ستانی و ستانه ۱۵۲۵ / سترون ۱۲۴۰ / سعی در اثبات قالبی نو ۱۰۸۱ / سگتول
۸۱۵ / سلوک مغان ۱۷۴۵ / سوشیانت ۱۷۲۶ / سه نیک ۱۲۹۴ / شازده آبگوشتی ۱۲۲۵ / شترگلو
۱۴۱۸ / شرق و غرب ۱۱۹۲ / شش‌انداز ۱۳۴۶ / شمن ۱۲۷۰ / شوخ ۱۴۵۵ / شیشک
۱۴۰۴ / صحاری ۱۲۴۰ / صدام حسین ۱۱۷۸ / طهارت تا دیات ۱۰۱۰ / عزّ و کام ۱۳۲۶ / عشق

گوشه ابرو ۹۷۴/عظیم ۱۷۵۶/عقده عدالت ۱۷۲۵/علت تغییر یک نام در متن شعر ۳۶۹/عمو
 نوروز ۷۵/غیرت فلان ۱۷۳۹/فاراب ۱۳۶۴/فرشته الهام ۱۴۵۵/فری ۱۳۷۷/فن ۱۴۶۸/قاصدک
 ۵۷۲/قانون و شفا و اشارات و نجات ۸۰۴ و ۱۲۹۸/گُرد دُغ ندیده ۱۴۲۷/کاظم الغیظ
 ۱۴۵۵/کبست ۱۴۶۷/کت ۱۷۶۱/کته ۱۴۰۴/کتیبه ۱۳۷۰/کجک ۱۴۶۵/کرک ۴۱۲/کغ ۱۴۲۷/کل
 ۴۱۹/کلاته ۱۳۶۲/که راست ۱۳۷۰/کیستان ۱۴۴۶/گرگعلی ۱۰۱۵/لات ولوت و آسمان جل
 ۱۴۹۳/لاتو به ماه نرسد ۱۴۹۳/لبن ۱۲۷۰/لت ۱۷۶۱/میتی ۱۴۷۶/ماه تولد ۱۱۷۶/مثل حیا ندارد
 ۱۲۷۶/مجدود بن آدم ۱۳۲۶/مبجک ۱۷۳۹/مردم ۱۳۳۶/مزدشت ۱۴۴۶/مزه ۹۷۴/مشی و مشیانه
 ۱۲۳۶/من علمنی حرفا ۱۳۳۷/منج ۱۳۱۸/میانرودان ۱۲۰۱/میزیدن ۱۴۳۰/نازلی هردان
 ۱۴۰۸/نان بری ۱۴۵۶/نجوا ۱۴۵۵/نزم ۱۳۶۴ و ۱۳۷۰/نسب شناسی صدام و انتساب او به بنی
 امیه ۱۱۹۹/نغمه های موسیقی ۱۲۶۴/نغشه مصدور ۱۳۳۶/نقش و دار و ندب ۱۷۶۷/نور
 ۱۳۲۶/نهالی ۵۶۹/نی در جهان ۱۲۴۰/واللیل ۷۷/واللیل گویی ۱۲۲۲/وثن ۱۲۷۰/وجه اشتقاق
 عامیانه اردیبهشت ۱۱۸۳/وزنی غریب در شعر ۳۸/وسن ۱۲۷۰/هفت خط جام ۱۳۹۰/همی
 ۱۴۷۷/هنود ۱۴۰۹/یره ۱۴۹۴/یک نفرین عامیانه ۱۲۱۸/یم ۱۲۴۰ و ۱۳۱۰/یهوه ۱۳۱۰

نیت اخوان در معنی کردن واژه ها و اصطلاحات، آن گونه که از حاشیه های او
 برمی آید، رفع ابهام از شعر و آموختن چیزی به خواننده است تا با کمک آن بتواند
 معانی را دریابد. این واژه ها چند دسته است:

الف) بومی است؛ مانند پرپری، ترتاس، تنسگل، شترخجو، کلخینسا، جله، جندک،
 خروب، دایه، سگتول، شترگلو، دلنگون، کغ، کجک، لاتو، نازلی هردان و
 ب) عربی است؛ مانند جعفر، استلام حجر، الاهبی بصحنک فاصبحینا، آساد، تلک
 شقشقه هدرت، حصان، حمدان، صحاری، عز و کام، عظیم و
 ج) فارسی است؛ مانند میانرودان، مشی و مشیانه، نهالی، هفت خط جام و
 د) بر ساخته شاعر است؛ مانند کیستان، مزدشت، خشکانه، بلمایه، پدمام، پریشادخت
 و

ه) بیگانه است؛ مانند داس ایس آین ایده و
 نکته قابل توجه در شرح واژه ها توجه جدی اخوان به زبانها و لهجه های بومی بویژه
 لهجه های خراسانی است. اگرچه برخی محققان وجود واژه های بومی در اثر ادبی را
 به قصد اقلیمی نشان دادن اثر ادبی نمی پسندند (نک: معصومی همدانی، ۱۳۶۷: ص ۷۳ و ۷۴) به

نظر می‌رسد حفظ زبان فارسی با زنده کردن، روزآمدسازی، متناسب‌سازی و ماندگار کردن واژه‌هایی از خرده‌فرهنگها در خلال متون ادبی، ضروری و عقلایی است. اخوان از خزانه واژگان بومی برای افزایش غنای زبانی و در برخی جاها برای تقویت ابهام شعری کمک می‌گیرد. روحیه طنز اخوان این اجازه را به او می‌دهد که از دایره لغات لوطی‌های بازار تا مصطلحات فیلسوفان در شعر او دیده شود. یکی از آثار پسندیده این واژه‌سازی‌ها نشان دادن غنای زبانی و دادن حس اعتماد به نفس به شاعران جوان برای واژه‌سازی است.

خواننده برای دریافت معانی پیچیده الفاظ در دفترهای شعری اخوان کمتر به فرهنگها و لغتنامه‌ها نیاز پیدا می‌کند. این روش اخوان (ادخال نثر در نظم) به سنت شارحان متون قدیم، نوعی شرح نویسی بر خویشتن یا تعلیقه بر خود است که به قصد آموختن و التذاذ بیشتر از شعر شکل گرفته است و بی‌تردید می‌توان ادعا کرد که در ادبیات معاصر فارسی از ۱۳۰۰ به این سو این شیوه منحصر به اخوان است.

تضمین، استقبال، گوشه نظر به شعر دیگران و حکمت عامه

گاه برای سرودن شعر انگیزه‌های بیرونی بیش از انگیزه‌های درونی و اصطلاحاً الهام شاعرانه به یاری شاعر می‌آید. تضمین و استقبال از انگیزه‌های بیرونی است که شاعر را به سرودن برمی‌انگیزد و گویی سر کلاف شعر را به دستش می‌دهد. هر چه شاعر با متون سر و کار بیشتری داشته باشد، این انگیزه‌ها در شعر او پرتعدادتر و قوی‌تر است. اساساً اگر شاعر اهل تحقیق و مذاقه در متون نباشد در حصار شعر خود می‌ماند تا مرگ هنری خود را به چشم ببیند و -به قول صاحب چهارمقاله- سخنش پیش از خودش بمیرد. نظامی عروضی در این باب می‌گوید: «شاعر باید که شعر او بدان درجه رسیده باشد که در صحیفه روزگار مسطور باشد... اما شاعر بدین درجه نرسد الا که در عنفوان شباب و در روزگار جوانی بیست هزار بیت از اشعار متقدمان یاد گیرد و ده هزار کلمه از آثار متأخران پیش چشم کند و پیوسته دواوین استادان همی‌خواند و یاد همی‌گیرد که درآمد و بیرون‌شد ایشان از مضایق و دقایق سخن بر چه وجه بوده است تا طرق و انواع شعر در طبع او مرتسم شود و عیب و هنر شعر بر صحیفه خرد او منقش گردد» (نظامی عروضی، ۱۳۸۱: ص ۴۷).

تضمین و استقبال و تلمیح و هنرهایی از این دست برای شاعری که اهل توغل در

متون باشد، میدانی فراخ از مضمونها فراهم می‌کند و شعر او را به مجموعه‌ای آموزنده از هنرها و اشارات ادبی و تاریخی تبدیل می‌کند. اخوان ثالث در استفاده از مضمونها دیگران، چه مستقیم با درج بیتی یا غیرمستقیم با اشاره به بیتی، مثلی، حکمتی (بویژه حکمت عامیانه خراسانی) به شکلی درست از این شگردهای هنری بهره برده است. شاعران، سخنوران، حکمتها و مثلهایی که در دفترهای دهگانه اخوان انگیزه ساز شعر او بوده، عبارت است از:

ابراهیم گلستان ۴۷۱/ابن معتر ۱۵۱۱ و ۱۵۱۹/ابن هندو ۱۵۲۳/ابن یمین ۱۴۹۲/ابوالحکم مغربی ۱۵۱۵/ابوالخطاب کلوزانی ۱۵۱۱/ابوالعتاهیه ۱۵۱۳/ابوالمظفر ابیوردی ۱۵۲۱/احمد شاملو ۱۳۵۲/ادیب پیشاوری ۵۲/اقبال لاهوری ۸۸۷/الیوت ۱۴۰۷/امثال عرب ۵۸۱/انوری ۱۴۹۲/انوشیروان دادگر ۱۴۹۱/ایرج ۱۴۲۷ و ۲۶/آذر بیگدلی ۱۴۵۶/بدیع الزمان همدانی ۱۵۱۵/بهار ۶۲۰/ثعالبی ۱۴۹۲ و ۱۵۲۳/جمال اصفهانی ۳۶۰/حافظ ۸۱ و ۱۴۹۴/حدیث یا مثلی عربی ۱۰۱۰/حضرت علی ۱۳۸۱ و ۱۵۲۴/خزائن نراقی ۱۵۱۷/خسروانی‌های باربدی ۱۰۷۹/رشید و طواط ۱۵۱۶/محمد زهری ۳۸۷/سری الرفاء ۱۵۱۸/سعدی ۱۰۱۰ و ۱۲۸۶ و ۱۴۰۷ و ۱۴۳۹ و ۱۵۰۴ و ۱۷۵۴/سعید طائی ۸۹۳ و ۱۳۶۷/شمس‌المعالی قابوس و شمشگیر ۱۵۱۱/شهریار ۱۷۱/شهید بلخی ۱۱۳۱/صاحب عباد ۱۷۵۶/صردر ۱۵۱۲/ضرب‌المثل عامیانه ۱۴۳۲/عماد خراسانی ۹۸۸ و ۱۳۱۱ و ۱۴۱ و ۱۴۱۱ و ۱۴۵۷/فردوسی ۵۶۹/فروغ فرخزاد ۸۹۳ و ۱۳۶۷/گوتسه ۱۵۰۷/لا ادری ۶۲۴ و ۱۵۱۳ و ۱۵۱۴ و ۱۵۱۵ و ۱۵۱۷ و ۱۵۱۹ و ۵۷۷/لافونتن ۱۳۴۳/متنبی ۱۵۱۸/مثل قدیمی ۸۴۱/محمد حبیب‌اللهی/مزدشت ۱۴۴۴/مزدک ۱۴۱۳/مسعود سعد سلمان ۱۳۳۶/مصرع فولکلور ۵۵۱/المعتضد ۱۵۲۳/مک نیس ۴۱۹/مولانا ۱۲۳۳ و ۱۳۱۰ و ۱۳۹۳/ناصرخسرو ۱۳۳۷/نیما ۱۴۹۸ و ۴۱۹/ولید بن یزید ۱۵۲۰/هومر ۵۴۶/یدالله بهزاد ۱۰۹۳/یک مثل خراسانی ۱۵۹۲ و ۱۶۵۱/یک مثل معروف ۱۴۳۲

نگاه به این سیاهه نشان می‌دهد که بعد از حکیم لا ادری (نماینده نمادین هزار و دویست ساله شعر فارسی- عربی و حکمت عامیانه)، سعدی بیشترین میزان اثرگذاری را بر اخوان داشته و مضمونهایی که از شیخ گرفته به مراتب از مضمونهای فردوسی بیشتر است. به هر حال از قدما سعدی و از معاصرین دوست صمیمی اخوان، عماد خراسانی، بیشترین اثر را بر خلق مضمونهای اقتباسی در شعر اخوان داشته‌اند. نکته قابل توجه در این سیاهه، فراوانی شاعران عرب زبان بویژه شاعران دوره‌های اولیه شعر

عرب بعد از اسلام است. این موضوع را باید به آنان که به اخوان ثالث اتهام عرب ستیزی می‌زنند یادآوری کرد و میزان اثرپذیری او را از شعر عرب یادآور شد. ستیز اخوان با عرب ستیزی، شعارزده، احساسی و فاقد پشتوانه فلسفی قدرتمند است. نزاع فکری او با اعراب بیشتر متوجه ماجرای جنگ ایران و عراق است و به سائقه شاعری و غلبه عواطف رقیق میهن‌دوستی در ذیل اشعاری اشارات تندی کرده که در مورد جنگ عراق با ایران گفته است.

اخوانیه و مجابات

اخوانیه در شعر اخوان ثالث جایگاه ممتازی دارد. در اغلب دفترهای شعری اخوان به صورت عام و در دفتر «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» به صورت خاص، رویکرد پرفروغ این شاعر خراسانی را به اخوانیه و اخوانیه‌سرایی می‌توان دید. اخوانیه و اخوانیه‌سرایی نیز از سنتهای شعری رایج در زبان فارسی است. اخوانیات از گونه‌های نثر قدیم فارسی بوده و بیشتر در قالب نامه‌هایی با همین قصد و عنوان ترتیب می‌یافته است. حسین خطیبی در این مورد آورده است:

قطعات شعرگونه‌ای که در آن هم تقارب و تناسب قطعات و هم تشابه و تجانس الفاظ به طریق سجع و توازن یا ترصیع و تضاد و دیگر صنایع بدیعی، مراعات و حتی گاه نیز التزام شده است و به موازات آن معانی هم بخصوص در توصیف و تغزل به شیوه شعر ابداع و انشا شده (خطیبی، ۱۳۷۵: ص ۴۱۳).

ظاهراً اولین نمونه‌های اخوانیه در شعر مسعود سعد دیده می‌شود (نک: گلی و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۱۷۱). در دفترهای شعری اخوان اخوانیه‌ها یا یکسویه است یا دوسویه؛ یعنی گاه اخوان شعری سروده و برای یک دوست فرستاده یا بین آن دو مجاباتی نیز رخ داده است. کسانی که اخوان با آنها اخوانیه و مجابات داشته است، عبارتند از:

ابراهیم مکلا ۵۸۵/ ابوالقاسم انجوی شیرازی ۱۴۲/ ابوالقاسم حبیب‌اللهی ۱۰۳/ احمد حضوری ۱۰۴/ احمد خویی ۷۸ و ۹۱/ احمد سروش ۹۹/ احمد شهنا ۱۶۳/ اسلام کاظمیه ۶۵/ اکبر آزادی ۸۷/ اکبر مشکین ۲۰۹ و ۸۷۶/ انور اشرفیان ۶۳/ انور عالم‌جانونف ۱۰۹۱/ پارسا تویسرکانی ۱۹۳/ پریشادخت (تعبیر استعاری برای فروغ) ۸۴۸/ پیرمحمد احمدآبادی (محمد مصدق) ۱۰۲/ جلیل دوستخواه اصفهانی ۱۲۹۲/ جواد آذر ۱۲۲۴/ جهانگیر تفضلی ۱۴۸/ حسین رازی ۲۷۷/ حسن پستا ۲۷۷ و ۴۱۳ و ۹۰۶/ حسین خدیو جم

۱۸۶ و ۱۳۷۲/حسین سمندری ۶۲۰/خسرو گواران مازندرانی ۱۷۵۷/رضا صمیمی ۸۲/ رضا مرزبان ۱۲۹ و ۲۱۶/سایه ۲۹۳/سعیدی سیرجانی ۴۴/حاجی لنجانی ۱۳۷۶/سید احمد خراسانی ۱۳۷۲/سیمین بهبهانی ۱۴۱۵ و ۱۷۷۵/شمس‌الدین حبیب‌اللهی ۳۹۸/صادق چوبک ۴۱۱/صادق هدایت ۶۱۷/عبدالحسین زرین‌کوب ۳۷۳ و ۱۲۷۱/عبدالله صالحی ۱۰۱/عبدالمحمد آیتی ۱۰۹۳/علی اصغر معین بشیری ۱۲۱۹/علی اکبر عماد آذربایجانی ۱۳۷۲/علی باقر زاده ۱۱۸۷/علی رواقی ۵۴/علی شاهنده ۶۶۰/عماد خراسانی ۱۲۰ و ۱۷۹/غلامحسین وجدی جواهری ۱۴۸/غلامرضا صدیق ۱۲۴۷/گلشن آزادی ۱۶۰/م. آزاد ۳۸۰/مجید کوچکی ۹۰۷/محسن باقرزاده ۱۰۵/محمدابراهیم باستانی پاریزی ۱۲۴۲/محمد زهری ۳۱۳/محمد قهرمان ۱۲۱۷/محمد رضا حکیمی ۳۷/محمود تفضلی ۳۳۸/محمود تقوی ۲۳۳/محمود فتایی ۱۷۷/محمود فرخ ۱۵۹/مسعود فرزاد ۷۵/مشفق کاشانی ۱۸۹/ملا قطب‌الدین شیرازی ۱۳۷۲/مؤمن شاه قناعت ۱۰۹۱/یدالله بهزاد ۷۴ و ۸۴/یدالله قرایی ۴۲۳ و ۱۱۹۰

در این سیاهه بین اخوانیه‌ها تعادلی نسبی وجود دارد؛ بدین معنا که هیچ‌یک از افراد، نسبت به دیگران اخوانیه زیاده‌تری ندارد. همان‌طور که گفته شد اخوانیه‌های اخوان یا دوسویه است یا یکسویه. اخوانیه‌های دوسویه از نوع مجابات است و هر دو طرف به سرودن شعر مبادرت کرده‌اند؛ نظیر اخوانیه‌هایی که با علی موسوی گرمارودی یا عماد خراسانی یا پرویز ناتل خانلری دارد؛ اما در اخوانیه‌های یکسویه، اخوان فقط برای کسی که به او ارادت داشته شعری سروده و تقدیم کرده یا در جواب نامه‌ای منشور، قطعه‌ای منظوم در کار کرده است؛ مانند آنچه برای استاد زرین‌کوب نوشته یا آنچه به شاعر تاجیک، مؤمن شاه قناعت پیشکش کرده است.

معرفی یک شخصیت ادبی، تاریخی، اجتماعی

شناساندن افراد در صدر و ذیل اشعار، یکی از سنت‌های جدی اخوان ثالث است. افرادی که در اشعار اخوان معرفی شده‌اند از کارگر ساده تا بزرگترین متخصص پاتولوژی ایران (به‌زعم خود او) هستند. اخوان در معرفی افراد ضمن اشارات کوتاه و بلند به کار و کیای آنها دلیل آوردن نامشان در شعر را ذکر می‌کند و از این دیدگاه نکته مبهمی باقی نمی‌گذارد. گاه در معرفی یک نفر چنان راه اطناب می‌پیماید که خود نیز در آخر کار متوجه زیاده‌گویی می‌شود و گاه فقط با یک اشاره مختصر نام آن کسی را شرح می‌دهد

که در شعرش آمده است. افرادی که در دفترهای شعری اخوان به‌نوعی معرفی شده، عبارتند از:

ابوالحسن خرقانی ۱۷۹۰/ احمد بهمنیار ۱۲۷۶/ احمد کمال پور ۱۷۵۱/ اسماعیل خویی ۱۷۳۵/ اقبال لاهوری ۱۷۶۲/ بیستون ۱۶۷۹/ پرویز کاویان جهرمی ۱۴۴۳ و ۱۵۱۱/ تی. اس. الیوت ۱۴۰۷/ حاجی لنجانی ۱۴۹۵/ حاجی مراد فلامکی و دامادش ۱۴۵۲/ سید احمد حجتی ۱۲۸۶/ حسن روحانی محلاتی ۱۲۳۶/ حسین سمندری خوافی ۱۴۱۵/ حسین منزوی ۱۳۴۷/ حیدر علی کمالی ۱۸۳/ داریوش آشوری ۱۶۲۹/ دکتر بهرام آزاده سروستانی ۱۲۸۲/ دکتر پرویز ناتل خانلری ۱۳۸۵/ دکتر علی سالاری خراسانی ۱۱۸/ دکتر محمدجعفر اسلامی ۱۷۲۴/ دکتر محمدعلی راشد ۱۳۸۲/ دکتر یوسف ولی‌زاده ۱۳۸۱/ دنیا خانم ۱۴۹۴/ رودکی ۱۳۱۶/ زهیر ابن ابی سلمی ۱۳۸۰/ سالار مؤید مسعود خراسانی ۱۶۰/ سید احمد خراسانی ۱۳۱۵/ سید رضاخان عقیلی کوثری استرآبادی شاعر کهن‌سال ۱۲۶/ شفیع کدکنی ۱۷۳۵/ شیخ ابوالحسن خرقانی ۱۴۵۳/ شیخ علی‌اکبر نخودکی ۱۶۷۹/ طه حسین ۱۳۸۰/ عباس اقبال ۱۳۵۹/ عزیز، مرشد، دادا ۶۴/ عظیم حبیب‌اللهی ۱۴۰۰/ علی موسوی گرمارودی ۱۳۲۸/ عماد خراسانی ۱۴۵۹/ عمو و پدر خویش ۱۲۶۰/ غلامرضا صدیق ۱۲۴۷/ فرالای ۱۳۱۶/ فصیح الزمان رضوانی شیرازی ۱۴۹۳/ قاسمی کارمند مرکز اسناد ۱۲۸۲/ قاضی نورالله شوشتری ۱۴۴۱/ کل‌خینسا ۱۳۰۱/ گلشن آزادی از شعرای مشروطه‌خواه ۱۰۶/ گلندام ۱۶۷۹/ محرابی گل ۱۲۳۵/ محمد حبیب‌اللهی و رفاقت با او ۱۳۹۹/ محمد قزوینی ۱۳۵۹/ محمد قهرمان ۱۵۳ و ۱۵۵ و ۱۷۵۱/ مشتری طوسی ۱۳۲۷/ مشفق کاشانی ۴۶/ ملامرضا ۱۳۰۱/ منشی باشی عبدالحسین نصرت خراسانی ۱۷۳/ منوچهر هدایتی ۱۴۳۹/ مهندس محمدعلی باقرزاده سیرجانی ۱۲۴۲/ ناتاشا آزاده ۱۲۸۶/ نادر اخوان ثالث ۱۲۸۲/ نعمت آزر ۱۷۳۵/ نینا آزاده ۱۲۸۶

افرادی که نامشان در این سیاهه آمده است، الزاماً اهل ادبیات و شعر و هنر نیستند؛ چه‌بسا رهگذری یا همسایه‌ای یا کارمندی ساده باشند که به دلیل برخوردی که با اخوان داشته‌اند، نامشان در دفتر شعر او جاودانه شده است؛ مانند قاسمی کارمند مرکز اسناد ملی ایران. برخی نیز رجلی سیاسی - اجتماعی یا ادبی بوده‌اند که ذکر جمیلشان زینت دفتر شعر اخوان بوده است؛ مانند دکتر پرویز ناتل خانلری، حسین منزوی، عماد خراسانی و محمد قهرمان. گاهی نیز چنانکه گفته شد برای یک شخصیت کم‌اهمیت

مثل حاجی لنجانی تطویل بلا طائل می‌کند و در آخر خود نیز متوجه زیاده‌گویی خویش می‌شود. در تنظیم این سیاهه، کاری به نامهایی که در ضمن شعر آمده است، نداشته‌ایم و بنای این مطالعه را بر حاشیه‌ها گذاشته‌ایم؛ لذا ممکن است نامی در شعری آمده باشد ولی در این سیاهه نباشد و این البته طبیعی است.

گزارش مستقیم شأن نزول شعر

اخوان در بسیاری از اشعار، انگیزه خود را از سرودن روشن کرده و جای ابهام در مورد نیت مؤلف باقی نگذاشته است. این موضوع را شاید هواداران نقد نو خوش ندارند ولی باید اذعان کرد که این شیوه برای شاعری چون اخوان روشی معمول بوده است و چه بسا برای دیگران نیز. اخوان ثالث در بیان انگیزه‌های شعری خود از افراد گرفته تا رویدادها و حالات شخصی گزارشی به دست می‌دهد و شأن نزول شعرش را آشکار می‌کند. این البته در مورد اشعاری که بر آنها حاشیه زده صادق است و در مورد بیشتر اشعارش بویژه اغلب آنها که در قالب نیمایی و در دفترهای شعری نوگرایانه خود نوشته صادق نیست. گزارشی که از شأن نزول اشعار در دفترهای اخوان می‌بینیم، بیشتر شامل وقوع یک رویداد یا غلبه حسی عاطفی بر شاعر است که آن هم مسبب بیرونی داشته است. واضحترین شأن نزولهای ذکر شده در حواشی اشعار اخوان عبارت است از:

ارمغانی برای فرخ خراسانی ۱۷۰/ اظهار نظر درباره طنز ایرج و ماجرای دلخوری ایرج از بهار به نقل از رضاخان عقیلی کوثری استرآبادی که خود شاهد ماجرا بوده است ۱۲۲۷/ اقرار به کمکاری و عذرخواهی از عماد خراسانی ۱۴۳/ التذاذ از هوای زمستان خوزستان ۱۴۳۸/ انتقاد از آل احمد به دلیل حرف نامربوطی که در باب اخوان زده بود و اظهار شادمانی اخوان به دلیل رواج موسیقی اصیل ایرانی ۱۲۰۶/ انتقاد به شعر سست حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی ۱۳۷۳/ اوایل ورود به خوزستان ۱۱۹۸/ بی‌اعتنایی وزارت ارشاد به مقابر سعدی و حافظ ۱۲۸۶/ پدر ۵۶۷/ پسر دار شدن محمد قهرمان ۱۳۹۱/ تأکید بر وطن‌پرستی و انتقاد از حکومت ۱۲۹۴/ ترجمه چند قطعه عربی و دو قطعه آلمانی ۱۵۰۵ و ۱۵۰۹/ تفنن به روغن گل ۱۳۹۰/ تفنن به لهجه مشهدی ۱۲۳۸ و ۱۳۰۶/ تفنن به مثلی مشهور ۱۳۴۵/ توبه در خواب ۱۸۶/ تهدید به جدایی از همسر ۱۴۰۶/ جنایات ریگان و برژنف در خاورمیانه ۱۲۶۷/ جنگ ایران و عراق و اصرار بر

وطن‌پرستی ۱۲۶۵/ خودنکوهی نسلی ۱۳۰۶/ دادوستد اخوانیه با محمد قهرمان ۱۷۸۶ و ۱۷۸۷/ سفر به مشهد و شرکت در انجمن صائب ۱۷۵۱/ شعر روی سنگ قبر یک مرد عیاش به درخواست همسر ۱۴۶۳/ شوق دیدار گلشن آزادی ۲۰۳/ شیطنتهای عماد ۱۹۸/ عرض شکایت به علی بن موسی‌الرضا^(ع) ۱۷۵۸/ عماد خراسانی ۱۷۲/ عیادت شهریار ۱۷۸۴/ عیادت مهرداد اوستا ۱۳۵/ فکری از شان‌دور پتوفی ۳۳۸/ کلمه تبریک ۱۸۵/ مرثیه تنسگل ۱۸۱/ مرگ پدر ۱۹۱/ مرگ منوچهر کوشیار ۱۴۱۵/ مرگ یک دوست بر سرِ دار ۱۷۵۵/ مزدشتیات ۱۳۶۶/ ملطفه ۱۷۹/ نتیجه مشورت پسر با اخوان ۱۴۲۳/ یادنامه الغدیر علامه امینی ۱۲۸۶ و ۱۲۹۱/ یادی از سهیل افنان ۱۳۶/ یک مثل آذربایجانی ۱۴۵۷.

این سیاهه بالا تنوع موضوعات و نوسان سلیقه اخوان را بخوبی نشان می‌دهد؛ از شکایت به علی بن موسی‌الرضا تا شوخی با محمد قهرمان یا لعن و نفرین رونالد ریگان و لئونید برژنف رهبران دو قدرت شرق و غرب در دهه شصت خورشیدی.

اظهار عقیده صریح در باب موضوعی خاص

اخوان ثالث در مواردی، نظر روشن خود را در مورد موضعی خاص بیان کرده است و از اینکه نظر او را خوش بدارند یا نه هراسی نداشته است. تردیدی نیست که بسیاری از نظریات اخوان به دلیل فضای حاکم بر نشر کتاب در پیش و پس از انقلاب و رعایت بسیاری قواعد اجتماعی، سیاسی و اخلاقی دستخوش خودسانسوری یا دیگر سانسوری شده؛ اما همین مقدار که باقی مانده است هم برای نشان دادن موضع فکری او در برابر مسائل اجتماعی کافی به نظر می‌رسد. بر اساس آنچه در الگوی تحقیقی این مقاله یافته شده، اخوان در بیست‌وهفت مورد نظر خود را صریحاً بیان کرده و ابهامات ناشی از قرائت شعر را زدوده است. او با این کار از تفسیرهای گوناگون جلوگیری، و تکلیف شعر را برای مخاطب روشن کرده است. آنچه مد نظر است عبارت است از:

امردبازی و شاعری افلاطون ۱۲۷۳/ انتقاد از لهجه تهرانی ۱۴۴۷/ انتقاد به بحثی در عرضی بودن یا ذاتی بودن نویسندگی که در تلویزیون مطرح شد و حساسیت شاعر را برانگیخته بود ۱۴۵۸/ انتقادی سخت به آناتول فرانس ۱۳۹/ انزجار از جمله معروف نیچه و از خود او که گفت وقتی به سراغ زنها می‌روی، شلاق را با خود ببر ۱۴۲۸/ انزجار از دولت عراق به دلیل اخراج معاونان عراقی ۱۶۲۹ و ۱۶۴۳/ برائت از امیران ۱۵۲۵/ برائت از خودپسندی ۱۵۰۳/ بیزاری از شعر فروشی و شاعر نمایی ۷۰/ دعا ۱۰۲۲/ ترجیح

ضبطی بر ضبطی دیگر ۱۴۶۹/ توضیحی درباره منتخب نورالعلوم و کرامات بلحسن خرقانی ۱۴۵۵/ جوجه گل به جای غنچه و تفصیل ماجرا ۱۳۸۷/ چند بحث واژه‌شناسی و تأکید بر تفریس ۱۷۷۷/ حذف چند بیت مصلحت وقت را ۱۲۶۹/ داغ جوان ۱۳۷۸/ ساختی طنزآمیز ۱۴۱۵/ ستم غرب و شرق به ایران ۱۷۰۱/ برتری شعر فارسی منزوی بر شعر ترکی او ۱۳۵۱/ شوخی با یک واژه ۱۲۳۱/ عذرخواهی بابت سنگینی وزن شعر ۱۴۴۷/ فرار مغزها ۴۱۹/ مضمون مشترک بین ابن معتز و منوچهری ۱۵۲۵/ نفرت از ایسم‌ها ۱۳۹۷/ نقد ابیات سستی که قاضی نورالله شوشتری در مجالس المومنین به فردوسی نسبت داده است ۱۴۴۱/ نقد ضرب‌المثلی از امثال و حکم ۱۴۹۳.

گزارش یک رویداد تاریخی یا واقعه‌ای شخصی

اگر دوره تاریخی‌ای را که اخوان در آن می‌زیست، پرتنش‌ترین دوره تاریخ ایران بنامیم، سخن گزافی نگفته‌ایم. تحولات اجتماعی- سیاسی‌ای که با آغاز جریان مشروطه‌خواهی ملت ایران آغاز شد در هزاره چهاردهم خورشیدی به گونه‌گون حالات دستخوش تحول شد و چهره‌ای تازه یافت. روی کار آمدن رضاشاه، قضایای شهریور ۱۳۲۰، ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، خرداد ۱۳۴۲، اصلاحات اراضی، پدیدار شدن جریانهای چپ و سوسیالیسم اسلامی در دهه چهل و پنجاه خورشیدی و سرانجام انقلاب بهمن ۱۳۵۷ برای هر شاعر حساس به مضمونهای اجتماعی و سیاسی، جنگی پرمایه برای واکنش هنری است. مهدی اخوان ثالث به سائقه تربیت خانوادگی و سپس به‌دلیل شغل معلمی، چنانکه خود در حواشی «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» گفته است با جریانهای سیاسی آشنا شد و تا چشم باز کرد خود را در میدان سرود و سرواد سیاسی- اجتماعی دید. سیمین بهبهانی در مقاله‌ای که در سوگ اخوان نوشت، مطالعه آثار اخوان را برای دریافت پیچیدگیهای تاریخ و آنچه تاریخ‌گویای آن نبوده است، ضروری می‌داند (نک: کاخی، ۱۳۷۰: ص ۱۵۹).

در حاشیه‌هایی که بر اشعار اخوان می‌بینیم، بخشی گزارش رویدادی تاریخی یا واقعه‌ای است که برای او رخ داده و آن را قابل به اشتراک‌گذاری با خواننده دانسته است. در ذیل سیاهه‌ای از این گزارشها آمده است:

اظهار ناخرسندی از اینکه استاد حسین سمندری دوتار نواز خوافی ساز خودش را فروخته تا ساز ارزانتری بخرد ۱۴۱۸/ آداب صیغه ۱۶۷۸/ پرورش چند جوجه بلبل در

خانه در آبادان و انتساب او به کرامات ۱۴۳۹/ پرهیز از بوسیدن دست؛ حتی دست پدر ۱۷۴۴/ پی‌نوشتی به ماجرای گرمارودی و اعتراض به خصمان ۱۳۴۶/ تأسف از ویران شدن شوش باستانی و بی‌توجهی اولیای امور به آن ۱۶۲۰/ تبانی تاریخی ۴۲۰/ ترانه منزوی در سالگرد انقلاب و اجرای آن در رادیو و تلویزیون ۱۳۵۱/ ترجمه و اقتباس آیه «و لا تحسبن الذین قتلوا...» برای مزار شهیدان ۱۵۱۶/ تضریب انقلابیون برای اخراج اخوان از مؤسسه فرانکلین ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲ و ۱۳۳۶/ جایگاه اجتماعی خانقاه و خانقاهیان در فرهنگ ایرانی ۱۴۵۵/ جنگ ایران و عراق ۱۱۹۸/ در رجوع بعد از طلاق ۱۴۶۹/ درخواست از متخصصان هجرت کرده برای بازگشت به وطن ۱۲۸۰/ درگذشت مادر دکتر خانلری و دلجویی شاعر از استاد ۱۴۷۰/ سفر زمستانه به مشهد و دردسرهای زیادی که در راه دید ۱۴۹۷/ شکوه از قطعی برق دکه عطاری پدر در سال ۱۳۳۲/ شیطننت ادبی ۱۴۹۴/ عرض احترام به همدان و همدانیان ۱۳۳۷/ فرار از موشکباران تهران به مشهد ۱۷۸۵/ گم شدن در شبی بارانی ۱۷۴۷/ ناتمام ماندن منظومه شکار و تکمیل آن پس از ده سال ۴۵۵/ ناتوانی در پرداخت اقساط وام ۱۲۲۲/ هزینه و درآمد خانقاه‌ها ۱۴۵۵. همچون عناوین پیشگفته در این موارد نیز صراحت بیان و روایت خاص اخوان در گزارش‌های تاریخی، اجتماعی و فردی دیده می‌شود. با خواندن این حواشی، ابهامی برای خواننده در درک معنا و البته مجالی هم برای اهل تأویل نمی‌ماند.

بدآموزیها در حاشیه

در این جستار نه در پی ارزشگذاری حاشیه‌های اخوان و شعر او هستیم و نه در قصد نقد اخلاقی. بر این اساس به‌عنوان ناظری که در رویکرد تعلیمی اخوان تحقیق می‌کند، حاشیه‌هایی بر شعر او می‌بینیم که گاه توصیه‌هایی خلاف عرف و اخلاق رایج جامعه ایرانی در آنها هست. آنچه اخوان در حاشیه آورده سوای آن مواردی است که در قالب شعر آفریده و موضوعات اخلاقی یا غیراخلاقی را در آنها با پوششی از بلاغت شعری پنهان کرده است. سخن بر سر حاشیه‌هایی است که صراحتاً در آنها از یک موضوع غیراخلاقی رمزگشایی کرده و حساسیت برخی را برانگیخته است یا توصیه‌ای کرده که نتیجه‌ای نامقبول داشته است؛ مانند حاشیه بر شعر «دختر به شرط چاقو» (همان: ص ۱۴۲۳). پرواضح است که اخوان با زبان طنز قصد دارد برخی زشتی‌های رایج در جامعه را به شکلی روشن گزارش کند؛ اما به جای اینکه از دیگران بی‌اغازد از خود شروع می‌کند.

اخوان در خلال برخی اشعار به رمز و به صراحت به اعتیاد خود به افیون و باده و بنگ اشاره کرده است. بر اساس اشارات دوستان او (نک: شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ص ۳۰) موجه جلوه دادن این گونه رفتارها در عالم ادب رسمی، امری است که منتقدان اخلاقی و افلاطونیان ادب معاصر آن را خوش نمی دارند. اخوان خود در باب برخی بدآموزیهای منتسب به او در مؤخره ارغنون می گوید: «من و امثال من چه بد باشیم چه خوب، ضد اخلاق یا فرشته بی پر و بال، درنهایت صمیمیت و صداقت تازه می توانیم یکی - و احیاناً نمونه و مستوره‌ای - از کیفیات احوال و اوضاع و چندی چون زمانه باشیم؛ لاغیر» (اخوان ثالث، ۱۳۹۷: ص ۲۶۳).

نتیجه گیری

ده دفتر شعر اخوان، بستر این پژوهش بود که در حاشیه اشعار آنها مطالبی به قلم خود شاعر آمده است. حواشی‌ای که اخوان بر شعر خود نگاشته است، بیش از اینکه جنبه اظهار فضل و به رخ کشیدن توانایی علمی او را داشته باشد، رویکرد ایضاحی دارد. در شیوه شاعری اخوان به دلیل تسلط او بر متون کهن و نیز زبان خراسانی شعرش، ابهاماتی به شعر راه پیدا می کند که ضرورت ایضاح آنها از سوی خود شاعر درک شده و وی را به گزارش پیچیدگیها و ابهامات واداشته است. اخوان با نوشتن حاشیه بر شعر خود ضمن نشان دادن روح تعلیم و آموزگاری خود در شعر از هرگونه سوء برداشت در اشعاری که حاشیه دارد، جلوگیری و به اصطلاح دفع دخل مقدر کرده است. بخشی از حاشیه‌های اخوان از جنبه‌های تفننی برخوردار است و انگیزه‌های او را برای سرودن شعر نشان می دهد. کاری که اخوان در حاشیه نگاری بر شعر خویش کرده نوعی تعلیم قواعد بازی در عالم شعر نو در دهه‌های پیشین است. او با بازی دوگانه‌ای که در میدان ادب سنتی و ادبیات معاصر دارد به شاعران جوانتر می آموزد که بقای انسب در عالم شعر بسته به تسلط بر سخن و قواعد آن است. اخوان ذوق را به تنهایی کافی نمی داند و زمینه‌های دانش آموزی و دانش اندوزی را در شعر پرورش می دهد. در میانه آموزه‌های ادبی، اجتماعی و سیاسی اخوان، گاه و بیگاه به نوعی تعلیم خاص هم برمی خوریم که به خلاف آمد عادت بوده است. آنجا که توصیه به طلاق یا موجه جلوه دادن مکلفات در حاشیه‌های شعری آمده است، آموزشی منفی و تعلیمی هنجارستیزانه را می بینیم.

_____ حاشیه بر خویشتن (تأملی بر خودحاشیه‌نویسی‌های اخوان ثالث)

اخوان ثالث در خودحاشیه نگاری بی‌گمان تنها شاعر ادبیات معاصر فارسی است که به این کار مبادرت ورزیده و خواندن حواشی شعری او دبستانی است از لغت‌شناسی، جریان‌شناسی تاریخی، شخصیت‌شناسی، ذوق‌شناسی فردی و اجتماعی و نکته‌دانی.

پی‌نوشتها

1. Narration

۲. تمامی شماره‌هایی که از این‌پس به دنبال موارد یافته شده در پراکنش می‌آید، شماره صفحه در مجموعه ده‌جلدی نشر زمستان است که برای پرهیز از تکرار الگوهای ارجاع دهی درون‌متنی به این روش بسنده شده است.

فهرست منابع

کتابها

آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن؛ (۱۹۷۰م.) *الذریعه الی تصانیف الشیعه*؛ نجف: مکتبه صاحب الذریعه العامه.

اخوان ثالث، مهدی؛ (۱۳۹۷) *متن کامل ده کتاب مهدی / اخوان ثالث*؛ تهران: زمستان.

خطیبی، حسین؛ (۱۳۷۵) *فن نثر در ادب پارسی*؛ چ ۲، تهران: زوآر.

درایتی، مصطفی؛ (۱۳۹۴) *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران*؛ ج ۳۷، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

دهخدا، علی‌اکبر؛ (۱۳۷۲) *لغت‌نامه*؛ دوره پانزده‌جلدی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

دیچرز، دیوید؛ (۱۳۶۹) *شیوه‌های نقد ادبی*؛ ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، چ ۲، تهران: علمی.

ریچاردز، آی. ا؛ (۱۳۷۶) *اصول نقد ادبی*؛ ترجمه سعید حمیدیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ (۱۳۹۱) *حالات و مقامات م. امید*؛ تهران: سخن.

_____؛ (۱۳۹۰) *با چراغ و آینه*؛ چ ۲، تهران: سخن.

طاش کبری زاده، احمد بن مصطفی؛ (۱۴۲۲ق) *مفتاح السعاده و مصباح السیاده فی موضوعات العلوم*؛ ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.

عظیمی، میلاد؛ طیه، عاطفه؛ (۱۳۹۶) *پیر پرئیان اندیش*؛ ج ۲، چ ۱۱، تهران: سخن.



فتوحی رودممعجنی، محمود؛ (۱۳۹۶) *درآمدی بر ادبیات شناسی*؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کاخی، مرتضی؛ (۱۳۷۰) *باغ بی‌برگی، یادنامه مهدی اخوان ثالث*؛ تهران: نشر ناشران.
نظامی عروضی، احمد بن عمر؛ (۱۳۸۱) *چهارمقاله*؛ به تصحیح محمد معین، تهران: زوآر.
الهاشمی، احمد؛ (۱۹۴۳م) *جواهرالبلاغه*؛ ج ۵، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

مقالات

چادگانی پور، اعظم؛ (مهر ۱۳۸۸) «حاشیه و حاشیه‌نویسی‌ها در کتابهای چاپ سنگی دوره قاجار»؛ *کتاب ماه هنر*، ص ۵۴-۵۰.

درویدیان، ولی‌الله؛ (۱۳۷۶) «حاشیه‌نویسی»؛ *فرهنگنامه ادبی فارسی*، (دانشنامه ادب فارسی ۲)، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رودگر، قنبرعلی؛ (۱۳۹۰) «حاشیه و حاشیه‌نویسی در نسخه‌های خطی بر اساس متون کهن»؛ *پیام بهارستان*، دفتر ۱۸ و ۱۹، س ۱۲، ص ۱۱۴-۱۰۱.

گلی، پروین؛ ضرونی، قدرت‌الله؛ یاری، علی؛ (۱۳۹۶) «پژوهشی در اخوانیه‌های معاصر»؛ *پژوهشنامه ادب غنائی*؛ س پانزدهم، ش بیست و نهم، پاییز و زمستان، ص ۱۶۹-۱۹۲.

معصومی همدانی، حسین؛ (۱۳۶۷) «در حاشیه»؛ *نشر دانش*، س هشتم، ش پنجم، مرداد و شهریور، ص ۸۳-۷۲.